



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت  
سال پانزدهم / شماره شصتم / زمستان ۱۴۰۰

## بررسی سندی و دلالتی روایات رجعت معصومان با محوریت نفی یا

### اثبات همزمانی رجعت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف \*

<sup>۱</sup> علیرضا خسروی

<sup>۲</sup> سیده فاطمه حسینی میرصفی

<sup>۳</sup> محمد جعفری هرنندی

#### چکیده

رجعت، یکی از اعتقادات شیعه است که بر مبنای قرآنی و روایی استوار است. روایات فراوانی در این باره در دست است که بخش قابل توجهی از آنها درباره رجعت رسول الله صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. از این مجموعه، تعدادی از روایات، تنها به اصل رجعت پرداخته و برخی به خصوصیات ریزتری از آن اشاره دارند. یکی از این خصوصیات، نسبت زمانی رجعت با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این مقاله و با بررسی صورت گرفته به روش توصیفی - تحلیلی، تنها تعداد انگشت شماری از این مجموعه دلالت بر همزمانی این دو پدیده دارند که هیچ یک از سند درستی برخوردار نیستند و حتی برخی از آنها متهم به ساختگی بودن هستند. در میان روایات صحیح السند نیز تنها روایاتی که درباره رجعت سیدالشهداء علیه السلام است دلالت بر همزمانی ظهور و رجعت آن هم در روزهای پایانی امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به منظور خالی نبودن زمین از حجت الهی دارند. بنابراین دلیل معتبر و قابل اعتمادی بر همزمانی رجعت و ظهور به معنای همراهی سایر امامان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران حکمرانی و رهبری ایشان به منظور پیشبرد اهداف قیام در دست نیست.

#### واژگان کلیدی

رجعت، ظهور، همزمانی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیدالشهداء علیه السلام.

#### مقدمه

رجعت یکی از عقائد ثابت شیعه است (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۶۰) که همگی آنها بر آن اتفاق نظر دارند (مفید، ۱۴۱۴ق: ۹۰). این عقیده شواهد قرآنی و حدیثی فراوانی دارد که به تعدادی از

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث واحد یادگار امام خمینی رحمه الله شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد یادگار امام خمینی رحمه الله شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
(mirsafi@iausr.ac.ir).

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی رحمه الله شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

آیات مرتبط به آن و مورد استناد عالمان شیعه در بحث رجعت، پس از این اشاره خواهد شد. با این وجود، بسیار عجیب و غیرقابل توجیه است که اهل تسنن هم چنان در برابر این حقیقت، جبهه گیری کرده و از دیرباز انواع مبارزه ها را در برابر آن در پیش گرفته اند! از یکسو برخی از آنها تفسیری غلط از رجعت ارائه داده و در بهترین حالت، عقاید غالیان را با نام رجعت، به تمامی شیعیان نسبت داده اند! سفیان بن عیینه (ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۱۶) و قاضی عیاض (نووی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۰۱) این گونه رجعت را تعریف کرده اند: علی در ابرها زندگی می کند و از آنها بیرون نمی آید مگر زمانی که ندای آسمانی [در آخرالزمان] بلند شود! نووی سپس آن را از نابخردی های عجیب و غریبی که مستحق شیعیان است دانسته! ذهبی هم در برخی کتاب های خود تقریباً اشاره به همین معنا دارد! (ذهبی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ۲۲۷)<sup>۱</sup> تا آن جا که حتی به گردن برخی شیعیان خالص گذاشتند که حتی معتقد به رجعت از همان زمان ها شده اند! همان گونه که به رشید هجری نسبت داده اند عقیده به زنده بودن علی دارد و حتی با ایشان نیز ارتباط مستقیم برقرار می کرده! (ذهبی، ۱۳۸۲ق: ج ۲، ۵۲) حال آن که همان گونه که گذشت شیعیان امامی چنین عقیده ای نسبت به رجعت ندارند. شاهد گویای آن هم ماجرای جالبی میان ابوحنیفه و مؤمن الطاق است. ابوحنیفه، مؤمن الطاق را متهم به اعتقاد به رجعت می کرد و مؤمن هم او را معتقد به تناسخ می دانست. یک بار ابوحنیفه به مؤمن که لباسی برای فروش به بازار آورده بود گفت: آیا این لباس را به من می فروشی تا وقتی علی به دنیا بازگشت پولش را به تو بدهم؟! مؤمن هم بلافاصله پاسخ داد: به شرط آن که ضامن بیاوری که به صورت میمون در نیامده باشی! (خطیب، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳، ۴۱۱؛ ابن ندیم، بی تا: ۲۲۴) این گزارش، کاملاً گویای اعتقاد شیعیان به رجعت گروهی از مردم است که هیچ انحصاری به امیرالمؤمنین پنهان شده در ابرها ندارد. ابن حجر هم درباره کثیرعزّة از شاعران معروف، این گونه می نویسد: او از کسانی بود که عقیده به بازگشت به دنیا داشت. (ابن حجر، ۱۴۰۸ق: ۴۲۶) و ابوحریر تعداد زیادی از آیات قرآن را دالّ بر رجعت می دانست. (مزّی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۴، ۴۲۲) از سوی دیگر همیشه اعتقاد به رجعت را بر راویان خرده گرفته اند! جابر بن یزید جعفی (ابن معین، بی تا: ج ۱، ۲۰۷؛ قشیری نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۱۵) اصبغ به نباته (العقیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۱۲۹) مسلم بن نذیر سعدی (ابن سعد، بی تا: ج ۶، ۲۲۸) محمد قاسم سودانی محاربی (حمزة، ۱۴۰۴ق: ۹۳) ابوحمزه ثمالی (حاکم، ۱۴۰۰ق: ۱۳۷؛ العقیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱،

۱. کان خشباً یؤمن بالرجعة یعنی رجعة علیّ الی الدنیا.

(۱۷۲) ابویقظان عثمان بن عمیر کوفی، حارث بن حصیره (العقیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ۲۱۲؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ۱۶۶) داود بن یزید بن عبدالرحمان اودی زعفری (ابن حبان، بی تا: ج ۱، ۲۸۹) و از سوی سوم و در حرکتی بدتر و خطرناک تر معتقدان به رجعت را گذشته از نادان و کم عقل دانستن، کافر به شمار آوردند! به عنوان نمونه احمد بن عبدالله بن صالح از عالمان مغرب زمین معتقدان به رجعت را کافر می دانست! (ذهبی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵۰)

بنابراین بایسته و شایسته است تا این عقیده از منظرهای مختلف و گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا ضمن هرچه روشن تر و نورانی تر شدن این حقیقت، از یک سو راه بر منکران و تحریف گران بسته شود و از سوی دیگر زوایای بیشتری از این حقیقت، آشکار گردد. یکی از این زوایا کیفیت رجعت و زمان بندی آن در مقایسه با ظهور است. در این مقاله به دنبال بررسی این زاویه از مباحث مربوط به رجعت هستیم. در بررسی صورت گرفته، مقاله یا نوشته ای پژوهانه در این زمینه یافت نشد.

### رجعت در لغت و اصطلاح

«رجعت» مصدر مَرَّه [یکبار انجام] از فعل رَجَعَ يرجع و در لغت به معنای بازگشت است.<sup>۱</sup> در اصطلاح شیعه، رجعت به معنای بازگشت افرادی تحت عناوین مختلف به دنیا، پس از بپا خاستن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این گروه ها شامل اهل بیت علیهم السلام، بخشی از مؤمنان ناب و سران کفر و نفاق خواهد بود.

### دلایل عام رجعت از آیات قرآن

در تعدادی از آیات قرآن به وقوع رجعت در زمان ها و مکان های مختلف تصریح شده که جای هیچ گونه تردیدی در امکان و وقوع آن باقی نمی گذارد. از جمله آیات مربوط به این حقیقت می توان به این موارد اشاره داشت:

۱. «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ

تَنْظُرُونَ \* ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (بقره: ۵۵-۵۶)

۲. «وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ \* فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا

كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَوَتَّى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (بقره: ۷۲-۷۳)

۳. «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُيِّدْتُكَ بِرُوحِ

الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ

۱. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، «رجع»؛ النهاية، «رجع»؛ القاموس المحيط، «رجع»؛ و...

تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ يَأْذَنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا يَأْذَنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ  
يَأْذَنِي...». (مائدة: ۱۱۰)

۴. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ  
أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ». (بقره: ۲۴۳)

۵. «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا  
فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ  
مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى جَمْرِكَ وَلَتَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ  
وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها حُفَاً فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ». (بقره: ۲۵۹)

بنابراین، برانگیخته شدن گروهی از مردم، مربوط به این دنیا خواهد بود و این همان  
حقیقت رجعت است که در منابع شیعی از آن سخن به میان آمده است.

### دلیل خاص قرآنی رجعت به اصطلاح شیعه

از دیگر سو آیه دیگری در قرآن به صراحت از رجعت گروهی در آخرالزمان - یعنی دقیقاً همان  
چیزی که شیعیان به آن عقیده دارند - سخن به میان آورده:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ». (نمل: ۸۳)

با توجه به این که قیامت، محل حضور تمامی انسان ها است:

«... وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (کهف: ۴۷)

این آیه در تمامی کتاب های کلامی عام یا مختص به مباحث آخرالزمانی مورد استدلال و  
بحث و بررسی قرار گرفته. همچنین در تعدادی از روایات مربوط به رجعت نیز شاهد استدلال  
به این آیه هستیم که در ادامه مقاله و در بخش بررسی روایات، نقل خواهند شد.

### بررسی روایات رجعت

بر پایه مطالبی که گذشت، رجعت یکی از عقاید شیعیان امامی است که حتی اهل تسنن نیز  
به عنوان یکی از معیارهای نقد راوی، از آن استفاده می کردند و اعتقاد به آن را نوعی خرافه و  
حتی بدعت دانسته و می دانند. بدون تردید، شیوع این اعتقاد آخرالزمانی آن هم درباره  
گروه هایی خاص، در میان شیعیان و تلاش در پیوند دادن آن با عقائد باطل غالیان در این  
جبهه گیری نقش شگرفی داشته است.

در ادامه ضمن دسته بندی روایاتی که به صورت ویژه به رجعت پیامبر ﷺ و امامان  
پرداخته اند و با بررسی سندی و دلالتی آنها؛ به ردّ یا اثبات مسئله اصلی مقاله که موضوع  
همزمانی رجعت با حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است خواهیم پرداخت.

## دسته نخست: روایات با موضوع رجعت پیامبر ﷺ و امامان

### روایت نخست

امام صادق علیه السلام درباره آیه «آن که قرآن را بر تو واجب گردانید، تو را به مکان بازگشت، برخواهد گردانید» فرمود:

پیامبرتان به سوی شما برخواهد گشت.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱:ق: ۱۲۰)

### بررسی سند

در سند این حدیث، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۲؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۱) و حسین بن سعید بن حماد اهوازی (طوسی، ۱۴۲۰:ق: ۱۴۹) و محمد بن خالد برقی (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۳) و نصر بن سوید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۷) و یحیی بن عمران حلبی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۴) و معلى بن عثمان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۷) از راویان ثقه و مورد اعتماد شیعه هستند. البته هرچند نجاشی محمد بن خالد برقی را ضعیف در حدیث گفته (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵) ولی از یک سو همان گونه که گذشت شیخ طوسی تصریح به وثاقت او دارد و از سوی دیگر به گفته ابن غضائری، ضعف حدیثی وی به خاطر نقل روایت از راویان ناشناخته و ضعیف بوده نه این که در نقل روایت وی ایرادی وجود داشته باشد (موسوی خویی، ۱۴۱۳:ق: ج ۲، ۱۶۶) و از سوی سوم، در این سند، وی از نصر بن سوید ثقه نقل حدیث کرده بنابراین از این نظر نیز به این سند، ایرادی وارد نیست. مهم ترین شخصیت این سند، معلى بن خنیس است. هرچند نجاشی او را با عبارت «ضعیف جداً» تضعیف کرده و شیخ طوسی نیز تصریح به وثاقت وی ندارد ولی از سوی دیگر روایات صحیح السند متعددی درباره جلالت و بزرگی وی در دست است و از سوی سوم وی از رجال کامل الزیارات و تفسیر قمی است (موسوی خویی، ۱۴۱۳:ق: ج ۱۹، ۲۵۸ به بعد) و بسیاری از بزرگان حدیث از او روایت دارند و روایات فراوانی نیز از او در دست است. مجموعه این دلایل و قرائن به سادگی باعث رنگ باختن تضعیف نجاشی و ساکت ماندن شیخ طوسی و حکم به وثاقت وی می شوند. در مجموع، سند حدیث، صحیح است.

۱. احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن سعید و محمد بن خالد البرقی عن النضر بن سوید عن یحیی بن عمران الحلبي عن المعلى بن عثمان عن المعلى بن خنیس: قال أبو عبد الله في قول الله عز وجل «إن الذي فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد»: نبیکم راجع إليکم.

## بررسی دلالت

در ابتدا باید به این نکته دقت داشت که تطبیق یک معنا بر آیه‌ای از آیات قرآن بستگی به کشش الفاظ آیه دارد و این که چنین برداشتی از آیه نه تنها غلط نباشد بلکه محتمل و معقول به نظر برسد. براساس این نکته هرچند ظاهر آیه «لَرَأَدُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» ممکن است اشاره به قیامت یا محل و مکانی دیگر داشته باشد ولی این بدان معنا نیست که حمل آن بر رجعت که آن نیز یکی از مصادیق «بازگشت به محل برگشت» است غلط و نادرست باشد به ویژه که روایت صحیح‌السند نیز بر آن دلالت دارد. با این بیان، چنین برداشتی، برداشت از ظاهر آیه خواهد بود نه تأویل و باطن و امثال آن. ولی در هر حال، این روایت، هیچ دلالتی بر همزمانی رجعت و قیامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد.

## نکته

روایات دیگری نیز در تفسیر آیه مورد اشاره به رجعت اهل بیت علیهم السلام در دست است. همچون:

۱. حدثنا جعفر بن محمد بن مالک عن الحسن بن علی بن مروان عن سعید بن عمار عن أبي مروان: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأَدُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» فقال لي: لا والله لا تنقضي الدنيا ولا تذهب حتى يجمع رسول الله صلى الله عليه وآله و علي عليه السلام بالثوب فيلتقيان وبينیان بالثوب مسجداً له اثنا عشر ألف باب. یعنی موضعاً بالكوفة.<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۱۳-۱۱۴)

در این سند، نام سعید بن عمار تنها در این سند دیده می‌شود. نام حسن بن علی بن مروان تنها در یک سند دیگر در کافی آن هم با عنوان حسین بن علی بن مروان به چشم می‌خورد و نشانی از او در منابع رجالی در دست نیست. نام ابومروان نیز گذشته از این سند تنها در یک سند دیگر در رجال کشی به کار رفته که به گفته محقق خوئی احتمال دارد همان ابومروان عمرو بن عبید بصری باشد که از نامداران اهل تسنن است. (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ج ۲۳، ۵۴) بنابراین او را نیز باید مهمل و ناشناخته به شمار آورد. بنابراین سند لااقل به خاطر وجود این سه تن از درجه اعتبار ساقط است.

متن روایت هیچ اشاره‌ای به زمان رجعت رسول الله صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام ندارد و به اصطلاح اصولی، از این نظر، ساکت است. بنابراین قابل استدلال و استناد نیست.

۱. راوی: از امام صادق عليه السلام درباره آیه «آن که قرآن را واجب گردانید.» جویا شدم؛ حضرت فرمود: به خداوند سوگند! دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که رسول الله صلى الله عليه وآله و علی عليه السلام در اطراف کوفه کنار هم بیایند و مسجدی با دوازده هزار در، در آن جا به پا کنند.

۲. علی بن ابراهیم عن أبيه عن النضر بن سوید عن يحيى الحلبي عن عبد الحميد الطائي عن أبي خالد الكابلي عن علي بن الحسين عليه السلام في قوله: إِنَّ الذي فرض عليك القرآن لراذك إلى معاد: يرجع إليكم نبيكم وأمير المؤمنين عليه السلام والأئمة عليهم السلام.<sup>۱</sup> (قی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۴۷)

سند این روایت با توجه به شرح حال ابراهیم بن هاشم (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۸۹ به بعد)، نضر بن سوید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۷)، یحیی بن عمران حلبی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۴) و عبد الحمید طائی (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳۹) صحیح است ولی همان گونه که ذیل روایت پیشین گفته شد، نسبت به همزمانی رجعت و ظهور، نکته ای در آن به چشم نمی خورد.

#### روایت دوم

امام باقر عليه السلام درباره آیه «آن که قرآن را بر تو واجب گردانیده...» فرمود: بدون تردید پیامبران یک بار دیگر برای شما ظاهر خواهد شد.<sup>۲</sup> (حلی، ۱۴۲۱: ۴۸۹-۴۹۰)

#### بررسی سند

هرچند محمد بن عیسی بن عبید و یونس بن عبد الرحمن از راویان بزرگ شیعه هستند و ابرهیم بن عبد الحمید واقفی (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۱ و غیر آن) اما ثقه (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰) است و ابان بن عثمان هم از اصحاب اجماع است و انحراف عقیدتی او ثابت شده نیست (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۴۳ به بعد) ولی سند با دو مشکل روبرو است. یکی این که حسین بن احمد در این طبقه، ناشناخته و نامشخص است. دوم این که در انتهای سند، عبارت «رفعه إلى أبي جعفر» را به کار برده. با توجه به این که ابان از اصحاب امام صادق عليه السلام و امام کاظم عليه السلام است، ظاهراً روایت وی از امام باقر عليه السلام با توجه به این عبارت، مرسل خواهد بود. بنابراین سند با دو مشکل در ابتدا و انتهای خود روبرو است و مهمل به شمار می آید.

#### بررسی دلالت

متن این روایت همچون متن روایت پیشین، دلالتی بر همزمانی رجعت با قیام امام زمان عليه السلام ندارد.

۱. امام سجاد عليه السلام درباره این آیه فرمود: پیامبران و امیرالمؤمنین و امامان، به سوی شما باز خواهند گشت.  
۲. حدثنا الحسين بن احمد حدثنا محمد بن عيسى عن يونس عن ابراهيم بن عبد الحميد عن ابان الأحمر رفعه إلى أبي جعفر في قول الله عز وجل «إِنَّ الذي فرض عليك القرآن لراذك إلى معاد»: ما أحسب نبيكم إلا سيطلع عليكم اظلاله.

## روایت سوم \*\*

امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه قائم خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به پا خیزد، خداوند او را به وسیله دسته‌هایی از ملائکه یاری خواهد کرد در حالی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، به ترتیب، روبرو و سمت راست و چپ او خواهند بود و ترس او بسیار فرسنگ‌ها جلوتر از قیامش به دل دشمنان خواهد افتاد. ملائکه مقرب الهی، روبروی او خواهند بود. نخستین کسی که در پی او خواهد آمد، محمد و سپس علی خواهند بود.<sup>۱</sup> (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۲۳۴)

## بررسی سند

شاید مهم‌ترین ایراد سند، حسن بن ابوحزمه بطائنی است که صراحتاً متهم به دروغ‌گویی شده است. (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ج ۶، ۱۷ به بعد) بنابراین، سند، ضعیف و متهم به ساختگی بودن است.

## بررسی دلالت

«یتبعه» در این روایت هم می‌تواند به معنای حضور پشت سر هم باشد و هم به معنای پیروی ولی با توجه به کاربرد این عبارت در روایت محل بحث درباره رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، و همچنین در نظر داشتن جایگاه این دو معصوم به ویژه در میان معصومان علیهم السلام، معنای دوم، قابل قبول نیست و اگر قرار باشد کسی پیرو دیگری باشد، این امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که پیرو رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد بود. همین نکته کلامی باعث فهم درست روایت می‌شود که معنای نخست، یعنی پشت سر هم بودن است. بنابراین این روایت نه تنها دلالتی بر هم زمانی رجعت و ظهور ندارد بلکه با توجه به قرینه یاد شده یکی از دلایل پشت سر هم بودن رجعت و ظهور است. البته این پشت سر هم بودن را باید با توجه به روایات خالی نبودن زمین از حجت، فهمید و تفسیر کرد؛ به این معنا که براساس این قرینه خارجی، پشت سر هم بودن به معنای حضور امام بعدی در مدت زمان کوتاهی از دوران حیات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می‌افتد تا هم زمین از حجت خالی نماند و هم امور امام سابق را برعهده بگیرد. البته تمام اینها در فرض پذیرش روایت است وگرنه همان‌گونه که بیان

۱. اخبرنا احمد بن محمد بن سعید قال حدثنا يحيى بن زكريا بن شيبان قال حدثنا يوسف بن كليب قال حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة عن عاصم بن حميد الحنطاط عن أبي حمزة الثمالي: سمعت أبا جعفر محمد بن علي يقول: لو قد خرج قائم آل محمد لنصره الله بالملائكة المسؤمين والمردفين والمنزليين والكروبيين يكون جبرئيل أمامه و ميكائيل عن يمينه و إسرافيل عن يساره و الرعب يسير مسيرة شهر أمامه و خلفه و عن يمينه و شماله و الملائكة المقربون حذاه أول من يتبعه محمد و علي الثاني.

شد، روایت با توجه به سندش مشکوک به ساختگی بودن است.

### روایت چهارم

امام صادق علیه السلام فرمود:

به رسول الله خبر رسید که قریشیان گفته اند: محمد گمان می کند پس از مرگش، حکومت به خاندانش خواهد رسید؟! حضرت نیز در میان گروهی از قریش، آنچه را در دل مخفی می داشت، آشکار کرد و فرمود: ای قریشیان! پس از من دوباره کافر خواهید شد. آن گاه که مرا در میان گروهی از یارانم ببینید که دوباره سراغ تان آمده و نابودتان می کنم چه حالی خواهید داشت؟! در همین میان، جبرئیل فرود آمده به حضرت عرضه داشت: محمد! بگو! به خواست خدا این کار را من یا علی انجام خواهیم داد. پیامبر هم این جمله را در ادامه سخنان خود اضافه کرد و افزود: قرار شما در منطقه سلام. راوی از امام پرسید: سلام کجاست؟ حضرت پاسخ داد: جایی پشت کوفه.<sup>۱</sup>  
(حلی، ۱۴۲۱ق: ۹۴-۹۵)

### بررسی سند

تنها ایراد این سند، مفضل بن صالح است. وی از یکسو از رجال کامل الزیارات و تفسیر قمی است و بزرگانی همچون ابن ابوعمیر و برخی از اصحاب اجماع از او نقل حدیث دارند و از سوی دیگر نجاشی ذیل عنوان جابر بن یزید جعفی تصریح دارد: تعدادی از افرادی که تضعیف شده اند همچون عمرو بن شمر و مفضل بن صالح، از راویان او هستند. (نجاشی ۱۳۶۵: ۱۲۹) بنابراین توثیق های عام یاد شده در تعارض با این تضعیف صریح هستند و در حالت عادی، هردو دسته، از حجیت ساقط شده حکم به ناشناختگی مفضل می شود. (موسوی خویی ۱۴۱۳ق: ج ۱۹، ۳۱۱ به بعد) در نتیجه، سند از درجه اعتبار ساقط می شود.

### بررسی دلالت

روایت دلالتی بر همزمانی رجعت رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام با رجعت امام مهدی علیه السلام ندارد و از این نظر ساکت است.

۱. احمد و عبدالله ابنا محمد بن عیسی عن الحسن بن محبوب عن أبي جميلة المفضل به صالح عن أبان بن تغلب عن أبي عبدالله عليه السلام: إنه بلغ رسول الله ﷺ من قریش كلام تكلموا به فقال: يري محمد أن لو قد قضى أن هذا الأمر يعود في أهل بيته من بعده؟! فأعلم رسول الله ﷺ ذلك فباح في مجمع من قریش بما كان يكتمه فقال: كيف أنتم معاشر قریش! و قد كفرتم بعدى ثم رأيتموني في كتيبة من أصحابي أضرب وجوهكم و رقابكم بالسيف. فنزل جبرئيل فقال يا محمد! قل «إن شاء الله! أو يكون ذلك على بن أبي طالب عليه السلام إن شاء الله». فقال رسول الله ﷺ: أو يكون ذلك على بن أبي طالب عليه السلام و موعدهم السلام. قال أبان: جعلت فداك! و أين السلام؟ فقال: يا أبان! السلام من ظهر الكوفة.

## روایت پنجم

امام باقر علیه السلام فرمود:

تمامی خوب‌ها و بدهای مسلمانان، به دنیا باز خواهند گشت؛ خوب‌ها برای دیدن آنچه چشمان‌شان را نوازش می‌دهد و بدها به سوی نابودی و بیچارگی. مگر این آیه‌ها را ننشیده‌ای: «به عذاب نزدیک‌تر، قبل از عذاب بزرگ‌تر به آنها خواهیم چشاند» و «ای جامه به خود پیچیده \* برخیز و بترسان» که منظور از این شخص، پیامبر صلی الله علیه و آله است که پس از رجعت، مأمور به ترساندن مردم است؛ همچنین: «او یکی از بزرگان است \* که ترساننده تمامی مردم است» و این آیه نیز اشاره به پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که مأموریت ترساندن مردم را در زمان رجعت انجام خواهد داد؛ همچنین: «او همانی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق گسیل داشت تا بر تمامی دین‌ها چیره شود حتی اگر مشرکان را خوش نیاید» و این اتفاق هم در زمان رجعت رخ خواهد داد؛ همچنین: «آن‌گاه که دری که عذابی دردناک همراه آن است بر روی ایشان بگشائیم» که اشاره به علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان رجعت ایشان دارد.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱: ۸۸)

## بررسی سند

تنها اشکال قطعی این سند، منخل بن جمیل است که از سوی نجاشی ضعیف و فاسدالروایه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۸ و ۴۲۱) و از سوی علی بن حسن بن فضال، هیچ و اهل غلو (کشی، ۱۴۰۹: ۳۶۸) معرفی شده است. بنابراین سند، به خاطر وی ضعیف است. سایر افراد سند، یا همچون ابن ابوالخطاب و عمار بن مروان، ثقه هستند یا همچون محمد بن سنان و جابر بن یزید، عند التحقیق، ثقه و قابل اعتمادند.

## بررسی دلالت

این روایت هم همچون روایات پیشین دلالت بر اصل رجعت دارد و نسبت به زمان آن در مقایسه با ظهور امام زمان، ساکت است.

۱. محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن المنخل بن جمیل عن جابر بن یزید عن أبی جعفر: ما فی هذه الأمة أحد برّ ولا فاجر إلا و ينشر؛ أما المؤمنون فينثرون إلى قرّة أعینهم و أما الفجار فينثرون إلى خزی الله إیّاهم. ألم تسمع أن الله تعالى يقول «و لنذیقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر» و قوله «یا أيّها المدثر \* قم فأنذر» یعنی بذلک محمداً قیامه فی الرجعة ینذر فیها و قیله «إِنَّهَا لَأُحْدِی الْکِبَر \* نذیراً للبشر» یعنی محمداً نذیر للبشر فی الرجعة و قوله «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون» یظهره الله عزّوجلّ فی الرجعة و قوله «حتى إذا فتحنا علیهم باباً ذا عذاب شدید» هو علی بن أبی طالب صلوات الله علیه إذا رجع فی الرجعة.

## روایت ششم

به گفته بکیر بن اعین:

در این گفته امام باقر علیه السلام تردید ندارم که به من فرمود: پیامبر ﷺ و علی علیه السلام باز خواهند گشت.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۷)

## بررسی سند

تمامی رجال سند از راویان ثقه و فقهای شیعه هستند. به ترتیب: احمد بن محمد بن عیسی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۲)، احمد بن محمد بن ابونصر (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۱)، حماد بن عثمان (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۷۵؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۶) و بکیر بن اعین (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۶۱). بنابراین سند، صحیح اعلائی به شمار می‌آید.

## بررسی دلالت

این روایت هم همچون روایات دیگر، نسبت به کیفیت رجعت (زمان رجعت)، ساکت است و در مقام بیان نیست.

## روایت هفتم\*\*

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید:

پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام هم امام زمان علیه السلام را همراهی خواهند کرد؟ فرمود: آن دو حتماً پا بر زمین خواهند گذاشت. آری به خدا! تا پشت قاف خواهند رفت؛ آری به خدا! تاریکی‌ها و دل‌دریاها را در خواهند نوردید؛ تا آن‌جا هیچ جای پایی نخواهد ماند مگر آن‌که آن دو بر آن پا خواهند گذاشت و دین واجب خداوند را به پا خواهند داشت.<sup>۲</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۵-۴۵۶)

## بررسی سند

این سند، با ایرادهای مهمی روبرو است که یکی از کم‌ترین آنها محمد بن نصیر است. وی از غالیانی بود که اعتقاداتی خلاف دین اسلام داشت و فرقه‌ای را پایه‌گذاری کرد که به «نصیری»

۱. احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان عن بکیر بن أعین: قال لی لأشکّ فیہ یعنی أباجعفر: أنّ رسول الله و علیاً سیرجعان.

۲. الحسين بن حمدان عن محمد بن اسماعيل و علی بن عبدالله الحسین عن أبي شعيب محمد بن نصر عن محمد بن الفرات عن محمد بن الفضل عن الفضل بن عمر: سألت سیدی الصادق: یا سیدی! رسول الله و أمير المؤمنين یكونان معہ؟ قال: لا بدّ أن یطئان الأرض؛ إی والله! حتی ما وراء القاف، إی والله! و ما فی الظلمات و ما فی قعر البحار حتی لا یبقی موضع قدم إلا و طناه و أقاما فیہ الدین الواجب لله تعالی.

معروف شدند. بنابراین به روایات و گزارش‌های وی هیچ اعتماد و اعتنایی نیست. (نیز ر.ک: موسوی خویی ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ۳۱۷ به بعد) برخی دیگر از راویان حدیث نیز از غالیان ضعیف هستند.

### بررسی دلالت

هرچند به نظر می‌رسد این روایت دلالت بر همزمانی رجعت با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد ولی از یک سو سند آن ضعیف و غیر قابل اعتماد است و از سوی دیگر نشانه‌های جعل یا لا اقل تحریف در آن آشکار است. به عنوان نمونه در بخشی از این روایت شاهد چنین جملاتی هستیم:

... ثم يغيب في آخر يوم من سنة ست وستين ومائتين فلاتراه عين أحد حتى يراه كل أحد وكل عين. قلت: يا سیدی! فن مخاطبه لمن مخاطب؟ قال: مخاطبه الملائكة المؤمنون من الجن ويخرج امره ونهيه إلى ثقاته وولاته ووكلائه ويقعد ببابه محمد بن نصير النميري في غيبته بصابر ثم يظهر بمكة....

بنابراین دلالت روایت نیز به خاطر احتمال جعل و تحریف، از درجه اعتبار، ساقط است.

### دسته دوم: روایات رجعت امیرالمؤمنین ع

در بین روایات رجعت، برخی از آنها تنها به رجعت امیرالمؤمنین ع اشاره دارند. در این بخش، این دسته از روایات از نظر سند و میزان دلالت آنها بر همزمانی رجعت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی می‌شوند:

#### روایت نخست

امیرالمؤمنین ع فرمود:

من پیایی باز خواهم گشت؛ من صاحب برگشته‌ها خواهم بود.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۳۱-۱۳۲)

#### بررسی سند

تمامی رجال این سند از ثقات و راویان مورد اعتماد شیعه هستند غیر از اطروش که درباره وی هیچ نکته‌ای در منابع یافت نشد. از دیگر سو با توجه به عبارت ابتدای سند «روی عن...»

۱. روی عن محمد بن الحسن بن عبدالله الأطروش الكوفي قال حدثنا أبو عبد الله جعفر بن محمد البجلي قال حدثني أحمد بن محمد بن خالد البرقي قال حدثني عبد الرحمن بن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر: قال أمير المؤمنين: إن لي الكزة بعد الكزة والرجعة بعد الرجعة وأنا صاحب الرجعات والكزات.

به نظر می‌رسد سند دچار ارسال در ابتدا است. بنابراین و با توجه به دو اشکال یاد شده، سند از درجه اعتبار و اعتماد، ساقط است.

#### بررسی دلالت

در این روایت سخن از تکرار چندباره رجعت امیرالمؤمنین (ع) به میان آمده است. هرچند به نظر می‌رسد تکرار چندباره رجعت، با همزمانی رجعت و ظهور قابل جمع و پذیرش است. به این بیان که وقتی قرار است رجعت حضرت، چندین بار تکرار شود، یکی از مهم‌ترین زمانهای احتیاج به رجعت، دوران پراشتهای و سخت ظهور و قیام امام زمان (ع) است و بیش از هر دوران دیگری، نیاز به حضور امیرالمؤمنین (ع) احساس می‌شود. ولی مشکل این جا است که اصل وجود چند رجعت، قابل اثبات نیست و روایت و مستند قابل اعتمادی بر آن در دست نیست. بنابراین و با توجه به این اشکال، دلالت عمومی این روایت بر همزمانی ظهور با یکی از رجعت‌ها پذیرفتنی نیست.

#### روایت دوم

امام صادق (ع) فرمود:

یک روز پیامبر (ص) علی (ع) را دید که در مسجد خوابیده و سر بر بالشتی از شن گذاشته. او را با پا تکان داد و فرمود: برخیز از جنبنده خدا! یکی از اطرافیان پرسید: یا رسول الله! ما نیز می‌توانیم یکدیگر را با این عبارت، صدا بزنیم؟ فرمود: نه؛ این نام، ویژه او است و او همان جنبنده‌ای است که خداوند از او در قرآن یاد کرده «هرگاه زمانش فرا برسد، جنبنده‌ای را از زمین به سوی شان بیرون خواهیم آورد که با آنها درباره شک و تردید مردم در نشانه‌های الهی سخن خواهد گفت». سپس فرمود: علی جان! آخرالزمان که فرارسید، خداوند تو را در زیباترین قیافه محشور خواهد کرد در حالی که چیزی به همراه داری که دشمنان را با آن، نشان خواهی داد و علامت‌گذاری خواهی کرد.<sup>۱</sup> (قمی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۳۰)

۱. علی بن ابراهیم عن ابراهیم بن هاشم عن ابن ابی عمیر عن ابی بصیر عن أبی عبد الله: انتهی رسول الله إلى أمير المؤمنين وهو نائم في المسجد قد جمع رملاً و وضع رأسه عليه فحرّكه برجله ثم قال: قم يا دابة الله! فقال رجل من أصحابه يا رسول الله! أ نسّمی بعضنا بعضاً بهذا الاسم؟ فقال: لا والله! ما هو إلا له خاصّة و هو الدابة التي ذكر الله في كتابه «وإذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم أن الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون» ثم قال: يا علي! إذا كان آخرالزمان أخرجك الله في أحسن صورة و معك ميسم تسّم به أعداءك.

## بررسی سند

تمامی راویان این سند از بزرگان و فقیهان شیعه هستند. بنابراین سند، صحیح اعلائی است.

## بررسی دلالت

در تشخیص مصداق «دابة الأرض» در آیه مورد اشاره، میان مفسران و گزارش‌های موجود، مصادیق و نظرات مختلفی در جریان است که با مراجعه به ذیل آیه در هر کتاب حدیثی می‌توان با گوشه‌هایی از آن آشنا شد. گذشته از این، مقالات نسبتاً خوبی نیز در این زمینه نوشته شده است. بنابراین و با توجه به خروج این مطلب از موضوع مقاله به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که:

با توجه به وجود روایت صحیح‌السند درباره تطبیق آیه بر امیرالمؤمنین و تأیید آن به روایاتی دیگر، تردیدی در این که آن حضرت نیز یکی از مصادیق آیه خواهد بود باقی نمی‌ماند و مهم نیست که مفسران چنین مصداقی را بیان کرده باشند یا پذیرفته باشند یا خیر. گذشته از آن که به عقیده برخی از مفسران با توجه به مجموعه روایات موجود و همچنین آیه بعد از این آیه، تفسیر روایی یاد شده، هماهنگ با آیه خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ۵۵۴)

ولی در هر حال این روایت دلالتی بر همزمانی رجعت و ظهور ندارد.

## روایت سوم

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت فرمود:

وقتی مرا به آسمان بردند، خداوند از پس پرده به من [بدون واسطه] وحی فرستاد. از جمله وحی الهی این بود: محمد! علی، نخستین است؛ نخستین امامی است که عهد و پیمان مرا گرفته. محمد! علی آخرین است؛ آخرین امامی است که جانش را خواهم گرفت و او همان جنبنده‌ای است که با مردم سخن خواهد گفت.<sup>۱</sup> (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۵۱۴-۵۱۵)

## بررسی سند

مهم‌ترین راوی این سند، محمد بن سنان است. بحث درباره وی و شخصیت روایش بسیار

۱. ابراهیم بن هاشم عن البرقی عن ابن سنان و غیره عن عبدالله بن سنان: قال ابو عبدالله: قال رسول الله: لقد أسرى بی ربی فأوحی إلی من وراء الحجاب ما أوحی و کلمنی فکان ممّا کلمنی أن قال: یا محمد! علی الأول، أول من أخذ میثاقی من الأئمة؛ یا محمد! علی الآخر، آخر من أقبض من الأئمة و هی الدابة التي تکلمهم.

فراوان است و مجالی گسترده را می‌طلبد. از یک سو رجالیان شناخته شده او را ضعیف دانسته و حتی فضل بن شاذان او را از دروغگوهای معروف برشمرده و از سوی دیگر روایات صحیح‌السند درباره رضایت امام معصوم علیه السلام از وی در دست است و همچنین نام وی در سند بسیاری از روایات به چشم می‌خورد و تعداد زیادی از بزرگان شیعه روایات قابل توجهی از او نقل کرده‌اند. (موسوی خویی ۱۴۱۳ق: ج ۱۷، ۱۴۸ به بعد) با توجه به در نظر گرفتن تمامی این نکات، نه می‌توان حکم به وثاقت وی نمود و نه می‌توان او را ضعیف و روایاتش را مردود دانست. بنابراین روایات وی در صورتی که لااقل از متفردات او نباشد، قابل اعتماد و اعتنا است. و این روایت، از متفردات او نیست هرچند نامی از راویان هم طبقه وی به میان نیامده است. در مجموع، با اندکی اغماض می‌توان به روایت اعتماد نمود.

#### بررسی دلالت

این روایت نه تنها دلالتی برهم‌زمانی رجعت و ظهور ندارد بلکه ظاهر آن با توجه به عبارت «آخرین رجعت‌کننده» دلالت بر عدم مقارنت این دو واقعه و وجود فاصله زمانی میان آن دو دارد.

#### روایت چهارم

امام صادق علیه السلام فرمود:

علی به همان پسرش حسین، به همراه پرچمش، بازگشتی خواهند داشت تا انتقام وی را از امویان و معاویه و خانواده او و هرکه در جنگ با وی شرکت داشته بستانند... علی در کنار پیامبر هم بازگشتی دیگر خواهد داشت تا جانشین او در زمین باشد و امامان، کارگزاران او باشند.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۲۱-۱۲۲)

#### بررسی سند

این سند لااقل مبتلی به ضعف روایی عمرو بن شمر است تا آن‌جا که او را متهم به وارد کردن روایاتی در کتاب‌های جابر جعفی کرده‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۸۷) بنابراین سند، ضعیف و غیرقابل اعتماد است.

۱. محمد بن عیسی بن عبید عن الحسن بن سفیان البرزازی عن عمرو بن شمر عن جابر بن یزید عن أبي عبد الله: إن لعلی فی الأرض کرة مع الحسن ابنه صلوات الله علیهما یقبل برایتیه حتی ینتقم له من بنی امیه و معاویه و آل معاویه و من شهد حربیه... ثم کرة أخرى مع رسول الله حتی یكون خلیفته فی الأرض و یكون الأئمة عماله.

### بررسی دلالت

این روایت دومین روایتی است که دلالت بر تکرار رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام دارد ولی از یکسو سند آن ضعیف است و از سوی دیگر تنها دو رجعت را برای آن حضرت پذیرفته و از سوی سوم و با توجه به برخی روایات موجود درباره رجعت امام حسین در اواخر عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - که در دسته سوم روایات به آن اشاره خواهیم کرد - می توان این روایت را یکی از دلایل عدم تقارن زمانی رجعت و ظهور به شمار آورد.

### دسته سوم: روایات رجعت امام حسین علیه السلام

در بین روایات رجعت، دسته ای از روایات که مشتمل بر بیشترین حجم روایات در موضوع رجعت امامان است، فقط بر رجعت امام حسین علیه السلام در آخرالزمان تصریح دارند که در این بخش، این روایات را از منظر همزمانی رجعت آن حضرت با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد کنکاش قرار می دهیم:

### روایت نخست

امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین کسی که به دنیا بازخواهد گشت حسین بن علی علیه السلام خواهد بود و آن قدر حکومت خواهد کرد که ابروهایش از شدت بزرگی روی چشمانش خواهند افتاد.<sup>۱</sup>  
(حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۹-۱۲۰)

### بررسی سند

رجال این سند، قبلاً مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد سند، صحیح است.

### بررسی دلالت

متن روایت دلالتی بر همزمانی رجعت سیدالشهداء علیه السلام با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد.

این روایت به سند دیگری نیز از معلى بن خنيس نقل شده است:

احمد بن محمد بن عيسى عن عمر بن عبد العزيز عن رجل عن جميل بن دراج عن المعلى بن خنيس وزيد الشحام عن أبي عبد الله قال: سمعناه يقول: إنَّ أوَّلَ من يكرِّفُ الرجعة الحسين

۱. احمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد و محمد بن خالد البرقي عن النضر بن سويد عن يحيى بن عمران الحلبي عن المعلى بن عثمان عن المعلى بن خنيس: قال لي أبو عبد الله: أول من يرجع إلى الدنيا الحسين بن علي فيملك حتى يسقط حاجباه على عينيه من الكبر.

بن علی و یمکت فی الأرض أربعین سنة حتی یسقط حاجباه علی عینیه.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق:

(۹۱)

همان گونه که مشاهده می شود، سند این روایت، مرسل است و متن آن اندکی متفاوت می باشد. بنابراین در اثبات کلام حضرت، به همان مقدار معتبر اکتفا می شود و قید «یمکت فی الأرض أربعین سنة» در این روایت، حجیتی نخواهد داشت.

همچنین مشابه همین متن به سند دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

أیوب بن نوح والحسن بن علی بن عبدالله بن المغيرة عن العباس بن عامر القصباني عن سعید عن داود بن راشد عن حمران بن أعین عن أبي جعفر: إنَّ أول من یرجع لجارکم الحسين فیملک حتی تقع حاجباه علی عینیه من الکبر.<sup>۲</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۷)

در این سند هم لا اقل داود بن راشد [سعید] ابزاری کوفی ناشناخته است و شیخ طوسی تنها به ذکر نام وی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام بسنده کرده (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۰۲) و جز یکی دو روایت، نام وی در سند دیگری به چشم نمی خورد. بنابراین، سند غیر قابل اعتماد است. در نقل دیگری از همین روایت:

احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن عبد الجبار عن الحسن بن علی بن فضال عن حمید عن داود بن راشد عن حمران بن أعین: قال أبو جعفر لنا: ولسوف یرجع جارکم الحسين بن علی ألفاً فیملک حتی تقع حاجباه علی عینیه من الکبر.<sup>۳</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۱-۱۰۲)

## روایت دوم\*\*

امام صادق علیه السلام درباره آیه «سپس نوبت حمله را به شما دادیم» فرمود: منظور این آیه، خیزش حسین در میان هفتاد نفر از یارانش است در حالی که شمشیرهایی زرین در دست دارند که این گونه ندا می دهند:

این حسین است که برخاسته. تا آن جا که مؤمنان، به حقیقی بودن وی و این که او دجال یا شیطان نیست، یقین پیدا می کنند و اینها همه در حالی است که امام زمان علیه السلام در میان مردم است.<sup>۴</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۰۶)

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین کسی که به دنیا باز خواهد گشت، حسین بن علی علیه السلام است که چهل سال در زمین ماندگار خواهد شد به گونه ای که ابروهایش بر چشمانش خواهد افتاد.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: نخستین کسی که به دنیا باز خواهد گشت، حسین بن علی علیه السلام است که در همسایگی شما (و نزدیک کوفه) قرار دارد. او آن قدر حکومت خواهد کرد که ابروهایش بر چشمانش خواهند افتاد.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: همسایه شما حسین بن علی علیه السلام به دنیا باز خواهد گشت و آن قدر حکومت خواهد کرد که ابروهایش بر چشمانش خواهند افتاد.

۴. عده من أصحابنا عن سهل بن زیاد عن محمد بن الحسن بن شمعون عن عبدالله بن عبد الرحمن الاصم عن عبدالله بن

## بررسی سند

نجاشی درباره محمد بن حسن بن شمون تعابیر تندی به کار برده از جمله این که از نظر روایت، به شدت ضعیف و از نظر عقیده، فاسد بود. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵) عبدالله بن عبدالرحمان اصم مسمعی را نیز نجاشی هم از نظر روایت و هم از نظر مذهب تضعیف نموده. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۷) بنابراین و حتی بدون در نظر گرفتن حرف و حدیث‌های موجود درباره دو راوی دیگر، این سند از درجه اعتبار، ساقط و ضعیف است.

## بررسی دلالت

هرچند روایت دلالت مستقیمی بر رجعت سیدالشهداء علیه السلام در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد ولی از یک سو با توجه به ضعف سند، قابل اعتماد نیست و از سوی دیگر با توجه به متن حدیث، به نظر می‌رسد این رجعت در آخرین روزهای حیات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و از باب خالی نبودن زمین از حجت اتفاق می‌افتد نه این که ایشان در زمان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور فعال داشته باشند. دقت در عبارت «حتی لایشک المؤمنون .. بین أظهرهم» گویای همین مطلب است. به این معنا که حضور سیدالشهداء علیه السلام در دوران حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به اندازه‌ای است که حقانیت و اصالت ایشان ثابت شود و تردیدی در شخصیت ایشان در میان مردم باقی نماند. روشن است که چنین ماجرای با توجه به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اتفاقات مربوط به رجعت سیدالشهداء علیه السلام که در برخی دیگر از روایات به آن اشاره شده، کاری چندان زمان بر نیست و نیازمند زمانی طول و دراز نخواهد بود. در ادامه نیز به این نکته اشاره خواهیم نمود.

## روایت سوم \*\*

از امام صادق علیه السلام پرسیدند:

آیا بازگشت به دنیا واقعیت دارد؟ فرمود: آری. پرسیدند: نخستین کسی که باز می‌گردد کیست؟ فرمود: حسین بن علی است که در پی قائم برخواند خواست. راوی پرسید: تمامی مردم در کنار او باز خواهند گشت؟ فرمود: خیر؛ همان‌گونه که در قرآن آمده «آن‌گاه که در صور دمیده شود؛ گروه، گروه محشور خواهید شد» در رجعت هم دسته دسته خواهند آمد.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱: ۱۶۵)

القاسم البطل عن أبي عبد الله في قوله تعالى «ثم رددنا لكم الكرة عليهم»: خروج الحسين في سبعين من أصحابه عليهم البيض المذهب لكل بيضة وجهان المؤدون إلى الناس أن هذا الحسين قد خرج حتى لا يشك المؤمنون فيه وأنه ليس بدجال ولا شيطان والحجة القائم بين أظهرهم.

۱. مّا رواه لي السيد الجليل بهاء الدين علي بن عبد الحميد الحسيني رواه بطريقه عن أحمد بن محمد الايادي يرفعه إلى

### بررسی سند

این روایت لااقل در دو نقطه مبتلی به ارسال و از درجه اعتبار، ساقط است. بنابراین نیازی به بررسی رجال سند آن نیست. گو آن که بیشتر راویان آن، ناشناخته هستند.

### بررسی دلالت

در این روایت، عبارت «علی أثر القائم» به کار رفته. این روایت هرچند از نظر ظاهر به معنای پشت سر و در ادامه است ولی همان گونه که ذیل روایت پیشین نیز یادآور شدیم، اگر قرار باشد سیدالشهداء علیه السلام نخستین رجعت کننده باشد، این اتفاق - براساس روایات فراوان لزوم وجود حجت در میان مردم و بر روی زمین - باید در روزهای پایانی حیات امام زمان علیه السلام اتفاق بیفتد نه پس از دوران آن حضرت. بنابراین دلالت این روایت بر حضور سیدالشهداء علیه السلام در روزهای پایانی زندگانی حضرت، قابل برداشت و پذیرش است ولی این دلالت به خاطر ضعف شدید سند، حجت نیست.

### روایت چهارم

امام صادق علیه السلام:

نخستین کسی که زمین بر او شکافته خواهد شد و به دنیا باز خواهد گشت، حسین بن علی علیه السلام است؛ البته رجعت، عمومیت ندارد و تنها شامل کسانی می شود که مؤمن یا مشرک خالص باشند.<sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۶ و ۱۰۷)

### بررسی سند

تمامی راویان این سند، غیر از ابوالخطاب ملعون، همگی از فقها و بزرگان شیعه هستند. ابوالخطاب هم این روایت را پیش از انحرافش شنیده و نقل کرده. بنابراین از سوی او هم خدشه ای بر سند روایت وارد نیست. در مجموع، سند روایت از طریق حمران بن اعین، صحیح اعلائی است.

أحمد بن عقیبة عن أبیه عن أبی عبدالله سئل عن الرجعة أ حقّ هی؟ قال: نعم. فقیل له: من أول من یخرج؟ قال: الحسین یخرج علی أثر القائم. قلت: و معه الناس کلّهم. قال: لا؛ بل کما ذکر الله تعالی فی کتابه «یوم ینفخ فی الصور فتأتون أفواجا» قوم بعد قوم.

۱. احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن أحمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان عن محمد بن مسلم: سمعت حمران بن أعین و أبالخطاب یحدثان جمیعاً قبل أن یحدث أبالخطاب ما أحدث أنهما سمعا أباعبدالله یقول: أول من تنشق الأرض عنه و یرجع إلى الدنیا الحسین بن علی و إن الرجعة لیست بعامة بل هی خاصة لایرجع إلا من محض الإیمان محضاً أو محض الشک محضاً.

## بررسی دلالت

این روایت هرچند به خودی خود، دلالتی بر همزمانی رجعت با ظهور ندارد ولی با توجه به متنهای دیگر آن که پیش از این گذشت و همچنین توضیحی که در بررسی دلالت آنها یاد شد؛ مؤید همزمانی رجعت با اواخر روزگار امام زمان عجل الله تعالی فرجه خواهد بود.

## روایت پنجم

امام صادق ع فرمود:

این که خداوند می فرماید: «آن گاه که راجفه بلرزد \* و رادفه نیز در پی او بیاید» «راجفه» اشاره به حسین بن علی و «رادفه» اشاره به علی بن ابی طالب ع دارند و حسین بن علی ع نخستین کسی است که در میان هفتاد و پنج هزار نفر، سر از خاک برخواهد داشت.<sup>۱</sup> (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۳۷)

## بررسی سند

این سند، لااقل متهم به ضعف جعفر بن محمد و اتهام وی به جعل حدیث است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۲) شیخ طوسی نیز هرچند وی را ثقه گفته ولی به این نکته نیز اشاره کرده که عده ای او را تضعیف کرده اند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۱۸) گذشته از آن که براساس نقل شیخ طوسی و نجاشی، صدوق و محمد بن حسن بن ولید و ایوب بن نوح هم او را تضعیف کرده اند. (موسوی خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۵، ۸۷) بنابراین نمی توان به توثیق شیخ طوسی و روایات وی اعتماد نمود. گذشته از آن که برخی دیگر از رجال سند نیز ناشناخته هستند. همچون علی بن خالد عاقولی که غیر از چند روایت انگشت شمار، هیچ نکته دیگری درباره وی یافت نشد. در مجموع، سند غیرقابل اعتماد و اعتبار است.

## بررسی دلالت

متن روایت، دلالت بر همزمانی رجعت با ظهور ندارد.

## روایت ششم\*\*

امام باقر ع فرمود:

۱. محمد بن العباس رحمه الله حدثنا جعفر بن محمد بن مالک عن القاسم بن إسماعیل عن علی بن خالد العاقولی عن عبدالکریم بن عمور الخثعمی عن سلیمان بن خالد: قال أبو عبدالله: قوله عز وجل «يوم ترجف الراجفة \* تتبعها الرادفة» «الراجفة» الحسين بن علی و «الرادفة» علی بن ابی طالب ع و أول من ینفض عن رأسه التراب الحسين بن علی فی خمسة و سبعین ألفاً.

حسین بن علی علیه السلام پیش از شهادت به یارانش فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرموده بود «پسرکم! تو به سوی عراق رانده خواهی شد؛ سرزمینی که پیامبران و جانشینان آنها در آن رو در رویی داشتند و آن همان سرزمینی است که «عمورا» نامیده می شود و تو در آن سرزمین در کنار گروهی از یارانت شهید خواهید شد در حالی که درد شمشیر را احساس نخواهند کرد» حضرت در ادامه، این آیه را تلاوت فرمود: «گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم، سرد و سلامت باش» و افزود: این جنگ، بر تو و یارانت، سرد و سلامت خواهد بود. سیدالشهداء علیه السلام پس از نقل این جملات از رسول الله صلی الله علیه و آله ادامه داد: شما را بشارت باد؛ به خدا سوگند! اگر ما را بکشند به سوی پیامبران خواهیم رفت و آن جا تا زمانی که خداوند اراده کند، خواهیم ماند و سپس نخستین کسی خواهیم بود که زمین بر او شکافته شده و بیرون خواهیم آمد درحالی که با خروج امیرالمؤمنین علیه السلام و قیام قائم ما و زندگانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز همزمان خواهد بود. سپس گروهی از آسمان به سوم من خواهند آمد که تا آن روز به سوی زمین نیامده بودند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکریایی از ملائکه، سوار بر اسب هایی از جنس نور که هیچ آفریده ای سوار آنها نشده نیز فرود خواهند آمد. محمد و علی و من و برادرم و هرکه خداوند بر او مئت بگذارد سوار بر مرکب هایی از جنس نور که هیچ کس سوار آنها نشده به زمین خواهیم آمد و محمد، پرچمش را حرکت خواهد داد و آن را به همراه شمشیرش به قائم ما خواهد سپرد و تا آن گاه که اراده خداوند است در زمین خواهیم ماند.<sup>۱</sup> (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۸۴۸-۸۴۹)

#### بررسی سند

سند، ایرادهای مهمی دارد که یکی از کم ترین آنها مرسل بودن است چراکه راویان میان قطب الدین راوندی [۵۷۳ق] تا سهل بن زیاد که استاد کلینی است در آن بیان نشده اند. بنابراین و لا اقل به خاطر همین نکته روایت از درجه اعتبار و اعتماد، ساقط می شود.

۱. عن أبي سعيد سهل بن زياد حدثنا الحسن بن محبوب حدثنا ابن الفضيل حدثنا سعد الجلاب عن جابر عن أبي جعفر: قال الحسين بن علي لأصحابه قبل أن يقتل: إن رسول الله قال «يا بني! إنك ستساق إلى العراق و هي أرض قد التقى بها النبيون و أوصياء النبيين و هي أرض تدعى عمورا و إنك تستشهد بها و يستشهد معك جماعة من أصحابك لا يجدون ألم مش الحديد» و تلا: «قلنا يا نار كوني برداً و سلاماً على إبراهيم» «تكون الحرب عليك و عليهم برداً و سلاماً» فأبشروا فوالله لئن قتلونا فإنا نرد على نبينا ثم أمكث ماشاء الله فأكون أول من تنشق عنه الأرض فأخرج خرقة يوافق ذلك خرقة أمير المؤمنين و قيام قائمنا و حياة رسول الله ثم لينزلن على وفد من السماء من عند الله لم ينزلوا إلى الأرض قط و لينزلن إلى جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و جنود من الملائكة و لينزلن محمد و علي و أنا و أخي و جميع من من الله عليه في حمولات من حمولات الرب خيل بلق من نور لم يركبها مخلوق ثم ليهزرن محمد لواءه و ليدفعنه إلى قائمنا مع سيفه ثم إنا نمكث من بعد ذلك ماشاء الله.

## بررسی دلالت

دلالت این روایت بر همزمانی رجعت با ایام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام و صریح و روشن است ولی از یک سو سند روایت فاقد اعتبار لازم است و از سوی دیگر براساس روایات صحیحی که پیش از این بیان شد، رجعت سیدالشهداء علیه السلام در روزگار پایانی زندگانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برای به دست گرفتن زمام حکومت انجام می پذیرد و از سوی سوم، رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز براساس برخی از روایاتی که پیش از این گذشت، یکی از آخرین رجعت ها خواهد بود. بنابراین متن روایت نیز با توجه به تعارض های موجود، قابل اعتماد و اعتنا نیست.

## روایت هفتم

امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین کسی که به دنیا باز می گردد حسین بن علی و یارانش از یک سو و یزید و یارانش از سوی دیگر خواهند بود و در این رو درویی، سیدالشهداء علیه السلام آنها را به همان گونه عاشورا خواهد کشت. حضرت سپس این آیه را تلاوت فرمود: «سپس نوبت را در اختیار شما قرار دادیم و شما را با دارایی و پسران یاری کردیم...»<sup>۱</sup> (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۸۲)

## بررسی سند

سند از آن جا که مرسل است، از درجه اعتبار، ساقط است.

## بررسی دلالت

روایت، هیچ گونه دلالتی بر همزمانی رجعت با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد.

## روایت هشتم

یکبار علی بن ابوحزمه بطائنی پیش امام رضا علیه السلام رفته پرسید:

تو امامی؟ فرمود: آری. گفت: خودم از پدر بزرگت جعفر بن محمد شنیدم که می گفت «امام، بدون نسل و جانشین نمی شود». حضرت پاسخ داد: پیرمرد! یادت رفته یا خودت را به فراموشی زده ای؟! جعفر این گونه نگفته او گفت «امام بدون فرزند نمی شود مگر امامی که حسین بن علی علیه السلام بر او به پا خواهد خواست؛ چراکه آن امام،

۱. عن رفاعه بن موسى: قال أبو عبد الله: إن أول من يكر إلى الدنيا الحسين بن علي وأصحابه ويزيد بن معاوية وأصحابه فيقتلهم حذو القذة بالقذة. ثم قال أبو عبد الله: «ثم ردونا لكم الكثرة عليهم وأمددناكم بأموال وبنين وجعلناكم أكثر نفيراً».

فرزند ندارد». بطائنی گفت: فدایت شوم! درست گفתי؛ پدر بزرگت همین طور گفت.<sup>۱</sup>  
(طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۴)

#### بررسی سند

شیخ طوسی به ذکر نام علی بن سلیمان بن رشید در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام بسنده کرده. (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۸) غیر از این و چند روایت و گزارش، نکته دیگری از او در دست نیست. بنابراین سند به خاطر وی از درجه اعتبار و اعتماد، ساقط است.

#### بررسی دلالت

این روایت، دلالت بر همزمانی رجعت سیدالشهداء علیه السلام با ظهور امام زمان علیه السلام دارد ولی همان گونه که پیش از این نیز توضیح داده شد، براساس برخی روایات موجود، این همزمانی مربوط به آخرین روزهای امامت امام زمان علیه السلام و به خاطر خالی نبودن زمین از حجت الهی صورت می پذیرد نه این که سیدالشهداء علیه السلام در زمان حکومت امام زمان علیه السلام حضور کامل و مؤثر داشته باشند.

#### روایت نهم

امام صادق علیه السلام فرمود:

حسین علیه السلام در میان یارانش که در کنار او کشته شدند به همراه هفتاد پیامبر صلی الله علیه و آله، حرکت خواهند کرد و قائم، خاتم امامت را به او تحویل خواهد داد و کارهای کفن و دفن قائم، بر عهده حسین خواهد بود.<sup>۲</sup> (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۵-۱۶۶)

#### بررسی سند

روایت از نظر سند، مرسل است.

#### بررسی دلالت

متن روایت کاملاً گویای نکته ای است که ذیل چند روایت آن را یادآور شدیم؛ و آن این که:

۱. محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن أبيه عن علي بن سليمان بن رشيد عن الحسن بن علي الخزاز: دخل علي بن أبي حمزة علي أبي الحسن الرضا عليه السلام فقال له: أنت إمام؟ قال: نعم. قال: فإني سمعت جَدَّك جعفر بن محمد يقول «لا يكون الإمام إلا وله عقب»؟ فقال: أ نسيت يا شيخ! أم تناسيت؟! ليس هكذا قال جعفر: إنما قال «لا يكون الإمام إلا وله ولد إلا الإمام الذي يخرج عليه الحسين بن علي فإنه لا عقب له». قال: صدقت جعلني الله فداك! هكذا سمعت جَدَّك يقول.  
۲. عن الصادق عليه السلام: و يقبل الحسين في أصحابه الذين قتلوا معه و معه سبعون نبياً كما بعثوا مع موسى بن عمران فيدفع إليه القائم الخاتم فيكون الحسين هو الذي يلي غسله و كفنه و حنوطه و يوارى به في حفرة.

رجعت سیدالشهداء علیه السلام در زمان امام زمان علیه السلام به میزان تحویل گرفتن مسئولیت و مدیریت برنامه ها است و دلیلی بر رجعت سیدالشهداء علیه السلام در بیش از این زمان در دست نیست. بنابراین این اندازه همراهی، به معنای همزمانی رجعت و ظهور نخواهد بود.

#### روایت دهم\*\*

امام صادق علیه السلام فرمود:

... جان اهل ایمان به آن نور، شاداب خواهد شد در حالی که هنوز از قیام امام زمان علیه السلام اطلاعی ندارند ولی صبحگاه، خود را سیزده نفرایستاده در برابر او می بینند. مفضل پرسید: هفتاد و دو نفر شهدای کربلا نیز با امام زمان علیه السلام خواهند بود؟ فرمود: از میان آنها، حسین بن علی علیه السلام در میان دوازده هزار نفر از شیعیان علی و در حالی که عمامه ای سیاه بر سر دارد، آشکار خواهد شد. <sup>۱</sup> (حلی، ۱۴۲۱: ۴۳۳-۴۴۲)

#### بررسی سند

سند این روایت، پیش از این بررسی شد و مشخص گردید، سند آن، ضعیف؛ و بخشی از محتوای آن، ساختگی است.

#### بررسی دلالت

متن روایت گویای آن است که سیدالشهداء علیه السلام به همراه تعداد فراوانی از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار یاران سیزده گانه امام زمان علیه السلام حاضر خواهند بود. ولی مشکل متن، ضعف سندی آن و همچنین تردید در ساختگی بودن آن است. بنابراین نمی توان به آن اعتماد داشت؛ به ویژه که همراهی سیدالشهداء علیه السلام با امام زمان علیه السلام از همان ابتدای قیام و حرکت، در روایت دیگری به چشم نمی خورد.

۱. الحسين بن حمدان عن محمد بن إسماعيل و علي بن عبدالله بن الحسين عن أبي شعيب محمد بن نصير عن عمر بن الفرات عن محمد بن الفضل عن الفضل بن عمر: ... امام صادق علیه السلام: ... فتفرح نفوس المؤمنين بذلك النور و هم لا يعلمون بظهور قائمنا أهل البيت ثم يصبحون و قوفا بين يده و هم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا بعدة أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله يوم بدر. قلت: يا مولاي و سيدي! فالأثنان و سبعون رجلاً الذين قتلوا مع الحسين يظهرن معه؟ قال: يظهر منهم أبو عبدالله الحسين علیه السلام بن علي في اثني عشر ألفاً مؤمنين من شيعة علي و عليه عمامة سوداء.

## دسته چهارم: روایات رجعت معصوم بدون ذکرنام

### روایت اول

امام باقر علیه السلام فرمود:

به خداوند سوگند! یکی از ما اهل بیت علیهم السلام، پس از آن که از دنیا رفته، سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد. راوی پرسید: این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد؟ حضرت فرمود: پس از قائم.<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۸)

### بررسی سند

تنها مشکل این سند، عمرو بن ثابت بن هرمز است که هرچند نجاشی و شیخ طوسی از او یاد کرده‌اند ولی توثیقی برای او ذکر نشده. از دیگر سو از رجال کامل الزیارات و تفسیر قمی است و روایات نسبتاً فراوانی دارد که به وسیله بزرگان شیعه و تعدادی از اصحاب اجماع نقل شده. بنابراین از وثاقت مبنایی برخوردار است. (موسوی خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۴، ۸۰ به بعد) سایر رجال سند نیز ثقه و مورد اعتماد هستند. از سوی سوم تمامی طریق‌های شیخ طوسی به روایات فضل بن شاذان ضعیف است غیر از طریقی که در مشیخه تهذیب اشاره کرده که آن طریق، صحیح است. (موسوی خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۴، ۳۱۸) بنابراین آنچه گذشت، در مجموع، این سند، صحیح مبنایی است.

### بررسی دلالت

این روایت نه تنها دلالتی بر همزمانی رجعت و ظهور ندارد بلکه صریح در وقوع آن پس از روزگار امام زمان علیه السلام است.

این روایت به طریق دیگری نیز از حسن بن محبوب گزارش شده است:

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال حدثنا محمد بن المفصل بن ابراهيم بن قيس بن رمانة الأشعري وسعدان بن إسحاق بن سعيد وأحمد بن الحسين بن عبد الملك الزيات و محمد بن أحمد بن الحسن القطواني عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن ثابت عن جابر بن يزيد الجعفی: سمعت أبا جعفر محمد بن علي يقول: والله لي مكن رجل من أهل البيت ثلاثاً سنة وثلاث عشرة سنة ويزداد تسعاً. فقلت له: ومتى يكون ذلك؟ قال: بعد موت القائم.<sup>۲</sup> (ابن ابوزینب، ۱۳۹۷ق: ۳۳۱-۳۳۲)

۱. عن الفضل بن شاذان عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن أبي المقدام عن جابر الجعفی: سمعت أبا جعفر يقول: والله لي مكن من أهل البيت رجل بعد موته ثلاثاً سنة ويزداد تسعاً. قلت: متى يكون ذلك؟ قال: بعد القائم.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: به خداوند سوگند! یکی از ما اهل بیت علیهم السلام، سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد. راوی پرسید: چه

ابن عقده هرچند زیدی مذهب است ولی نعمانی تصریح به وثاقت و اعتبار وی دارد. (ابن ابوزینب، ۱۳۹۷ق: ۳۲) از میان چهار استاد وی لااقل محمد بن مفضل بن ابراهیم، ثقه و قابل اعتماد است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۰) بنابراین، این سند نیز موثق مبنایی خواهد بود.

### جمع‌بندی

در صفحات گذشته حداقل ۲۲ روایت درباره رجعت اشخاصی از اهل بیت ذکر و مورد بررسی سندی و دلالی واقع شد. از مجموع این روایات، تنها پنج روایت دلالت بر همزمانی رجعت با ظهور داشت که همگی از نظر سند، ضعیف و بعضاً متهم به جعل هستند. این روایات با علامت دو ستاره (\*\*) مشخص شده‌اند. در روایات صحیح‌السند نیز هیچ نشانی از این همزمانی نیست.

از دیگر سو براساس محتوای برخی روایات - که روایات صحیح‌السند نیز در میانشان وجود داشت - این‌گونه برداشت می‌شود که تنها بازگشت سیدالشهداء علیه السلام همزمان با پایان دوران حضور امام زمان علیه السلام اتفاق خواهد افتاد. این نکته نیز با توجه به روایات فراوان لزوم وجود حجت بر روی زمین، به خاطر خالی نبودن زمین از حجت خواهد بود. بنابراین دلیلی بر همزمانی رجعت با ظهور به معنای استمرار آن و حضور امامان در کنار امام زمان علیه السلام و در زمان حکومت آن حضرت در دست نیست.

### نتیجه‌گیری

۱. روایات فراوانی درباره رجعت رسول الله صلی الله علیه و آله و امامان در دست است که از یک سو سند تعداد اندکی از آنها صحیح یا معتبر بود و از سوی دیگر حداکثر نتیجه‌ای که از آنها برداشت می‌شود وقوع این پدیده و یقینی بودن اصل رجعت است.

۲. نسبت به همزمانی رجعت اهل بیت علیهم السلام و ظهور امام زمان علیه السلام، روایت معتبری در دست نیست. تعداد فراوانی از روایات رجعت اهل بیت علیهم السلام، نسبت به این موضوع، ساکت و فاقد بیان هستند. تعداد اندکی نیز که دلالت بر همزمانی دارند، فاقد سند معتبر و یا حتی متهم به ساختگی بودن هستند. و روایات صحیح‌السند هم حداکثر دلالت آنها همزمانی رجعت با ظهور، مقارن با روزهای پایانی حکومت امام زمان علیه السلام و از باب خالی نبودن زمین از حجت است.

۳. از یکسو دلیل و تحلیل عقلی خاصی درباره علت و سبب رجعت در دست نیست تا

زمانی چنین خواهد شد؟ فرمود: پس از درگذشت قائم علیه السلام.

براساس آن حکم به همزمانی رجعت با ظهور شود و از سوی دیگر، عقل، دلیل خاصی بر حضور تعدادی یا همه حجت‌های الهی در یک زمان یا لزوم حضور یا عدم آن در اختیار ندارد تا براساس آن دلیل، به تحلیل و تقویت و تضعیف محتوای روایات بپردازیم.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات*، تحقیق: عصام عبدالسید، بیروت، دارالمفید، دوم.
۴. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد التمیمی (بی‌تا)، *المجروحین*، المکة المکرمه، دارالباز للنشر و التوزیع.
۵. ابن حجر، علی (۱۴۰۸ق)، *مقدمة فتح الباری*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، اول.
۶. ابن سعد، محمد (بی‌تا)، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارالصادر.
۷. ابن عدی، عبدالله (۱۴۰۹ق)، *الکامل*، تحقیق: یحیی غزوی، بیروت، دارالفکر، سوم.
۸. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴)، *رجال*، تصحیح: محمدرضا حسینی، قم، دارالحديث، اول.
۹. ابن معین، یحیی (بی‌تا)، *تاریخ*، تحقیق: عبدالله احمد، بیروت، دارالقلم.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارصادر، سوم.
۱۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی‌تا)، *فهرست*، تحقیق: رضا تجدد، بی‌جا، بی‌نا.
۱۲. ابن یوسف، حمزه (۱۴۰۴ق)، *سؤالات حمزة*، تحقیق: محمد بن عبدالله، ریاض، مکتبة العارف، اول.
۱۳. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآیات الظاهرة*، تصحیح: حسین استادولی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، اول.
۱۴. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲)، *رجال*، تصحیح: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اول.

۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، اول.
۱۶. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الكشف والبيان*، تحقیق: ابومحمد ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۱۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *معرفة علوم الحديث*، بیروت، دارالآفاق الحديث، چهارم.
۱۸. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق)، *مختصر بصائر الدرجات*، تحقیق: مشتاق مظفر، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، اول.
۱۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول.
۲۰. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفة، اول.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، اول.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم، اول.
۲۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، تصحیح: محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، *رجال*، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، سوم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیة*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه، اول.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *فهرست*، تصحیح: عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی، اول.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان*، تصحیح: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۸. عقیلی، محمد بن عمرو (۱۴۱۸ق)، *ضعفاء*، تحقیق: عبدالمعطی امین، بیروت، دارالکتب العلمیة، دوم.

۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، اول.
۳۰. قشیری نیشابوری، مسلم (بی تا)، *صحیح*، بیروت، دارالفکر.
۳۱. قطب الدین راوندی، سعد بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، سوم.
۳۳. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۳۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم.
۳۶. مزّی، یوسف (۱۴۰۶ق)، *تهذیب الکمال*، تحقیق: بشار عواد، بیروت، مؤسسة الرسالة، چهارم.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن (۱۴۱۴ق)، *تصحیح الاعتقادات*، تصحیح: حسین درگاهی، بیروت، دارالمفید، دوم.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، دهم.
۳۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث*، بی جا، بی نا، پنجم.
۴۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، *رجال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ششم.
۴۱. نووی (۱۴۰۷ق)، *شرح مسلم*، بیروت، دارالکتاب العربی.

